



رهبر انقلاب در دیدار شرکت کنندگان مسابقات قرآن کریم:

برخی کشورهای اسلامی دچار «بیماری ذلت» شده‌اند

صفحه ۳ را بخوانید

«فره‌یختگان» میزان واردات از ۳ اقتصاد بزرگ اروپایی پس از انعقاد برجام را بررسی می‌کند

اتوبان یک طرفه برجام به نفع اروپا

■ آمارهای رسمی نشان می‌دهد در سال ۹۶ واردات از آلمان به ایران ۱/۵ برابر، انگلستان به ایران ۳ برابر و فرانسه به ایران ۲/۵ برابر شده است. بدتر اینکه این واردات عموماً شامل کالاهای سرمایه‌ای نمی‌شود و اقلامی چون توپ فوتبال، حشره کش، صابون و... را در بر می‌گیرد

صفحه ۹ را بخوانید

مدیر پیام‌رسان «ایتا»
در گفت‌وگوی تفصیلی
با «فره‌یختگان»:

فروش اطلاعات به نهادهای امنیتی جرم است

«ایتا» به نیت فیلتر تلگرام
راه‌اندازی نشد

«فره‌یختگان»



محسن هاشمی در گفت‌وگو با «فره‌یختگان»:

دیدگاه‌های حزبی در شورای شهر به مصلحت شهروندان نیست

محسن هاشمی

دکتر علی اکبر ولایتی
در همایش سراسری مسئولان
و معاونان دفاتر نمایندگی
مقام معظم رهبری:

برجام عملاً در موارد
مربوط به منافع ایران
بی‌خاصیت شده است

«فره‌یختگان»

چرا هنرمندان سراغ کافه‌داری
و رستوران‌داری می‌روند؟

اشکان خطیبی:

گردش مالی رستوران‌داری
بیشتر از فرهنگ و هنر است

«فره‌یختگان»

بررسی دیدار سران دو کره و آینده
منطقه شرق آسیا

توپ در زمین آمریکا

«فره‌یختگان»

منصور غلامی وزیر علوم:

حضور فعالان فرهنگی

بین دانشجویان سبب کاهش

آسیب‌های فکری می‌شود

«فره‌یختگان»

عکاسان پیشکسوت درباره مولفه‌های
عکاسی عباس عطار می‌گویند

خالق عکس‌های
غیر کلیشه‌ای

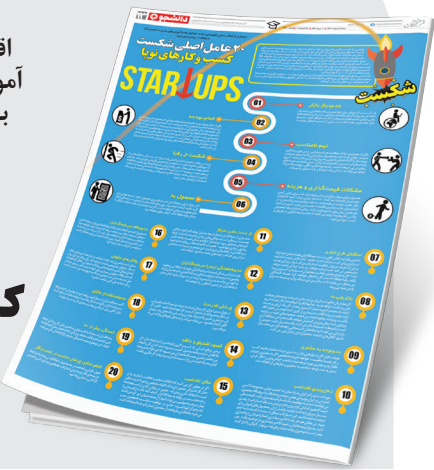
«فره‌یختگان»



بسیاری از فعالیت‌های
اقتصادی جدید به دلیل عدم
آموزش‌های مدیریت کسب‌وکار
با موفقیت روبه‌رو نمی‌شوند

۲۰ عامل اصلی شکست کسب‌وکارهای نوپا

«فره‌یختگان»



یک افق سودمند

پذیره‌نویسی

با نماد "افق ملت"
از ۱۳۹۷/۲/۵ تا ۱۳۹۷/۲/۱۱

صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله در سهام افق ملت

شماره ثبت نزد سازمان بورس: ۱۱۲۳۳
شماره ثبت نزد اداره ثبت شرکت‌ها: ۳۳۳۹۸
وب سایت: www.mellatetf.com
شماره تلفن: ۸۸۵۵۹۲۱۴

بازارگردان:



سرمایه‌گذاری توسعه معین ملت

مدیر صندوق:



تامین سرمایه بانک ملت

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.mellatib.ir مراجعه فرمایید.

یادداشت

شمقدری پسر، دومین مستند «انقلاب جنسی» را هم منتشر کرد. این اثر برعکس مستند قبلی، ارزش نقد کردن را داشت. مشغول شدم و ۶ نکته را استخراج کردم. باشد که ذهن مخاطبان این اثر روشن شود و کارهای آتی این فیلمساز جوان نیز کیفیت بیشتری پیدا کند.

۱- در خیلی از مسائل، موضع مستند مشخص نیست، مثلاً از یک طرف با مطرح کردن این سوال که «زن بودن در ایران بهتر است یا مرد بودن؟» از بن‌مایه اصلی فمینیسم که تقابل زن و مرد است، بهره می‌جوید و از طرف دیگر فمینیسم را زیر سوال می‌برد. از یک طرف صدراعظم بودن یک زن در آلمان را می‌ستاید و از طرف دیگر می‌گوید هر یک از زن و مرد باید در کار تیمی، جایگاه خاص خود را داشته باشند. از یک سو می‌کوشد بگوید: دود اگر بالا نشیند کسر شان شعله نیست

جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است
از طرف دیگر زن ایرانی را به جرم نداشتن سیاستمدار مطرح، تحقیر می‌کند. از یک سو فحش‌های نامتعارف در غرب را محکوم می‌کند و از طرف دیگر علل و عواملی را که کار غرب را به اینجا کشانده تأیید کرده، بعضاً مورد توصیه نیز قرار می‌دهد. مستند می‌گوید فضای اختلاط و عربانی زن غربی، کار را به «سوینگر کلاب» (کلوب شبانه برای نوعی رابطه جنسی نامتعارف) کشانده، ولی در عین حال به بحث حجاب در ایران می‌تازد و برای عدم حضور زنان ایرانی در ورزشگاه مویه می‌کند. به واقع در مستند سعی شده برای رعایت اعتدال و اینکه مبدا خاطر کسی آزرده شود، هم مطالب درست گفته شود و هم ادعاهای نادرست از این منظر، این اثر، کاری به تمام معنا مذہب است.

۲- پژوهش و تحلیل‌های این مستند، اگرچه نسبت به اثر مشابه قبلی ارتقا یافته، ولی همچنان اشکالاتی دارد که تبیین آنها ضروری است. مثلاً در قسمتی از مستند، رازی با کنایه می‌گوید: «آلمان قدرتمندترین اقتصاد اروپا است که سال‌ها صدراعظمی آن را به یک زن - آنگلا مرکل - سپرده‌اند. عوض آنکه چهار تا آقای باتدبیر و باعقل را بیآورند، متأسفانه کار را به ضعیفه‌ها سپرده‌اند. به اندازه ما عقل شان نمی‌رسیده دیگر!» بنده می‌توانم در پاسخ به این سبیا که از تحلیل، مستندی بسازم و در آن بگویم: «پس از جنگ جهانی دوم، به دلیل آنکه آمریکا همواره در تعامل سیاسی با آلمان، دست بالاتر را داشته، خواسته‌های خود را بر این کشور تحمیل کرده است. یکی از این خواسته‌ها قرار دادن یک زن در جایگاه صدراعظمی آلمان بوده است تا آمریکا به این وسیله جلوی پیشرفت سریع آلمان را بگیرد. اساساً یکی از دلایل اینکه اقتصاد آمریکا پیشرفته‌تر از آلمان است نیز همین بوده که هیچ‌گاه رئیس‌جمهور زن نداشته است. همچنین آمریکا که بر سازمان ملل سیطره دارد، تاکنون نگذاشته یک زن به ریاست این سازمان برسد. این مساله نیز یکی از عوامل موفقیت سازمان ملل در پیشبرد اهداف آمریکا بوده است!»

چنانکه مشاهده می‌فرمایید، استدلال فوق چیزی کم از استدلال مستند ندارد. البته هر دو استدلال سیخ و بی‌پایه هستند. در واقع یک نفر باید از مستندساز بپرسد چگونه به وجود ارتباط بین جنسیت صدراعظم آلمان و پیشرفت این کشور دست یافته است؟ از کجا معلوم اگر یک مرد صدراعظم آلمان بود، قدرت اقتصادی این کشور بیشتر نمی‌شد؟ این تحلیل‌های نازل، انسان را به یاد روشنفکران اولیه می‌اندازد که وقتی محو جمال و کمال غرب شدند، نسخه پیچیدند که ما برای رسیدن به توسعه، باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شویم. اما در واری اینکه توسعه غربی برای ما مطلوب هست یا خیر، آیا گرفتن ظواهر غرب، به توسعه می‌انجامد؟ در قسمت دیگری از مستند، یک پزشک ایرانی ساکن هلند می‌گوید: «اگر اینجا خانمی نخواست به باشد همسرش او را بیوسد، می‌تواند پرود سراغ پلیس و شکایت کند که همسر من تجاوز کرده است. بعد هم این آقای دکتر با این استدلال که در ایران آمار دقیقی در مساله تجاوز وجود ندارد، اصل این مساله را که آمار تجاوز جنسی در کشوری مثل هلند بیشتر از ایران است، زیر سوال می‌برد.»

نگارنده با رجوع به آخرین مطالعات، به مطالعه مرکز راتگرز (Rutgers) رسیدم که در آن با مطالعه روی ۱۷ هزار هلندی در دهه سنی ۱۸ تا ۸۰ سال، به این یافته رسیده بود که ۱۱ درصد از زنان هلندی لااقل یک بار



نقدی بر مستند انقلاب جنسی ۲ زنان غرب؛ سرخورده و حیران

حسین مروتی

کارشناس آسیب‌های اجتماعی

مورد تجاوز کامل جنسی (Rape) قرار گرفته‌اند. حال کدام ایرانی - که در فضای کشورمان تنفس کرده باشد - می‌تواند این ادعا را مطرح کند که از هر ۱۰ زن ایرانی یک نفر مورد تجاوز کامل جنسی قرار گرفته است؟! ای کاش هر وقت آقای دکتر صرامی به ایران آمدند، تحقیقی درباره شیوع تجاوز کامل جنسی در زندان‌ها داشته باشند. بنده این اطمینان را دارم که در بند نسوان زندان‌های کشور نیز اوضاع از کشور هلند بهتر است. البته دکتر صرامی برای رسیدن به حقیقت امر می‌توانسته‌اند لااقل آمارهای ابتلا به ایدز از طریق رابطه جنسی را در ایران و کشورهای غربی مقایسه کنند. اتفاقاً آمارهای ایران در این یک مورد بسیار معتبر هستند. نتیجه کاملاً مشخص است. به اعلان مراجع معتبر بین‌المللی، ایران و کل منطقه جنوب غرب آسیا، کمترین میزان شیوع بیماری ایدز در جهان را دارند که قطعاً وجود ارزش‌های دینی از عوامل مهم این موضوع به شمار می‌آیند.

در قسمتی از مستند، حضور زنان اروپایی در ورزشگاه به نمایش درآمده که: ببینید چقدر عادی و بدون مشکل کنار مردان نشسته‌اند؛ اولاً آنها فرهنگ و ارزش‌های خودشان را دارند. ثانیاً اگر گروه مستندساز دقت می‌کردند، احتمالاً می‌توانستند شکار لحظه‌هایی کنند؛ لحظه‌هایی خاص که البته قابلیت پخش نداشت. هر از گاهی کلیپ‌هایی از همین شکار لحظه‌ها در غرب دست‌به‌دست می‌شود که نشان می‌دهد آنقدرها هم فضای ورزشگاه‌ها، خواهر - برادری نیست.

همچنین رازی در بخشی از مستند به خانه یک خانواده هلندی رفته است. دقت در ادبیات زن خانه‌نشان می‌دهد مخاطب با خانواده‌ای مذهبی طرف است؛ خانواده‌ای که امروزه در اروپا کاملاً استثنا است و ابدان نمی‌تواند نمودی از تفکر و سبک زندگی غربی به شمار آید. نهایتاً نمودار به کار رفته در مورد «افزایش فرزندآوری در سوئیس» به دنبال بازگشت زنان به نقش‌های سنتی خویش «هم جای بحث دارد و مصداق کامل مغالطه «نمودار گمراه کننده» به شمار می‌آید (دامنه در محور Y تغییر یافته و از صفر شروع نشده، به گونه‌ای که تغییرات کوچک در آن، بزرگ جلوه داده شده است). رجوع به سیر نرخ باروری زنان سوئیس بسازم و در آن که این میزان از سال ۱۹۷۶ (پس از کاهش شدید نرخ باروری به دنبال وقوع انقلاب جنسی) تاکنون با اندکی افت و خیز، در حد یک و نیم فرزند ثابت مانده است (این میزان در سال ۲۰۱۷، ۱/۵۶ فرزند بوده است). در حقیقت سوئیس و البته کلیت تمدن غرب با تمام تشویق‌ها، تشبیه‌ها و مهاجرپذیری‌هایشان در غلبه بر بحران جمعیت ناتوان بوده‌اند و در بهترین حالت توانسته‌اند مانع بحرانی‌تر شدن شرایط جمعیتی کشورشان شوند. جالب است که در تمام اشکالات تحلیلی و پژوهشی بالا، یک وجه مشترک وجود دارد. اگر مستندساز قصد داشته بین جنسیت صدراعظم آلمان و قدرت اقتصادی آن کشور ارتباطی برقرار کند، برای این بوده که می‌خواسته از آلمان الگو بگیرد. اگر سعی شده آمار تجاوز جنسی در غرب عادی جلوه داده شود، اگر سعی شده فضایی خواهر - برادری از اختلاط ورزشگاه‌های اروپا تصویر کنند، اگر خواسته‌اند اوضاع و افکار یک خانواده مذهبی در هلند را به اکثریت جامعه غرب تعمیم داده و سیاست‌های جمعیتی غرب را موفق نشان دهند، همه و همه برای این بوده که اصرار داشته‌اند از غرب الگو بگیرند. برداشت بنده از علت این اصرار نابجا، وجود رگه‌هایی از غریزگی در تهیه‌کنندگان این اثر است.

۳- منطقاً وقتی می‌خواهیم به مساله زنان بپردازیم، باید براساس فهم صحیح و شناسایی اولویت‌ها وارد شویم. دست‌اندر کاران ساخت مستند انقلاب جنسی باور فرمایند که مسائلی از قبیل آواز زن، قتل زن به استادیوم و حتی اشتغال زن، مساله اصلی زنان ایرانی نیست (صرفاً ۱۶ درصد از زنان ایرانی، شاغل یا به دنبال شغل هستند). باور فرمایند که سوار شدن بر موج مطالبه گروهی از زنان برای ورود به ورزشگاه، نه هوشمندانه است، نه اخلاقی و نه به نفع زنان. باور فرمایند که اسلام بدون نیاز به دستکاری و منطبق شدن با امیال بشر، لبریز از جاذبه است؛ به خصوص برای زنان. موج اسلام‌خواهی زنان غربی نیز به دلیل همین جاذبه‌هاست؛ چنانکه به‌عنوان یک نمونه ۷۵ درصد از ۵۰۰ نفری که سالانه در انگلیس مسلمان می‌شوند، زنان هستند.

ادامه در صفحه ۸